

نقد و بررسی انگیزه‌ها و مبانی طبقه‌بندی قرآنی ژول لایوم

سیدمهدی لطفی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲۷

زهرا هاشمی**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۳

چکیده

طبقه‌بندی موضوعات قرآنی، از جمله دغدغه‌های مستشرقان بوده است که ژول لایوم به عنوان فردی اثرگذار در این حوزه، طبقه‌بندی خود را در هیجده باب اعمال کرده است. طبقه‌بندی وی متأثر از انگیزه‌های علمی و عملی هم‌چون دستیابی به بانکی جامع از موضوعات قرآنی و پاسخ‌گویی به نیاز مخاطبان است. همچنین وی در طبقه‌بندی خود مبانی و اصول خاص خود را در نظر داشته است. از جمله مبانی و اصول مورد استفاده وی می‌توان به وحیانی بودن قرآن، توجه به مطلق منابع اسلامی و عدم طبقه‌بندی آن‌ها، نادیده گرفتن مبنای روایات و عدم رجوع به اسناد تاریخی مسلم، رویکرد تاریخی به جهان آفرینش و توجه به جلوه همبستگی مذهبی در قالب عبادات اسلامی اشاره کرد. مقاله حاضر با در نظر گرفتن انگیزه‌های ژول لایوم به دنبال دستیابی به مبانی و اصول طبقه‌بندی وی در جهت تبیین و فهم بهتر این اثر است.

کلیدواژگان: قرآن، طبقه‌بندی، مستشرقان، ژول لایوم، تفصیل الآیات.

* عضو هیأت علمی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (استادیار).
m.lotfi@ltr.ui.a.icr

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
mahtahashemi1@gmail.com

مقدمه

قرن هاست که بسیاری از شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان غیرمسلمان، به پژوهش درباره قرآن پرداخته و درباره الفاظ و معانی و محتوای آن، نظریه‌های گوناگونی ابراز کرده و به شناسایی، نقد و تحلیل آن‌ها پرداخته‌اند. یکی از موضوعات مورد توجه آن‌ها، طبقه‌بندی موضوعی قرآن بوده است. طبقه‌بندی موضوعی قرآن یا معجم‌های موضوعی قرآن از حوزه‌های نوپای مطالعات قرآنی است که همانند دیگر مباحث علوم قرآن در قرن اخیر، به تدریج تکامل و گسترش یافته است. آغازکننده این نهضت در فرهنگ موضوعی و عرصه اطلاع‌رسانی در زمینه مفاهیم قرآن کریم، ژول لایبوم مستشرق فرانسوی (۱۸۰۶-۱۸۷۶م) است. وی کتابی با نام «تفصیل الآیات» فراهم آورد و موضوعات قرآنی را که به تصور او باید دسته‌بندی می‌شد و در ذیل عناوینی قرار می‌گرفت، گردآوری کرد و آیات مربوط با آن‌ها را نیز در ذیلشان قرار داد.

ژول لایبوم بر این اساس که فهرست جامعی برای یافتن سریع و درست آیات قرآن وجود ندارد، اقدام به طبقه‌بندی مطالب بر اساس ترجمه فرانسوی قرآن کرد. وی به دلیل عدم آشنایی با زبان عربی، ترجمه فرانسوی کازیمیرسکی از قرآن را در دستور کار قرار داده و مطالب بدست‌آمده را در هیجده باب طبقه‌بندی کرده و برای هر یک نیز به اقتضای بسامدی اطلاعاتشان عنوان‌های فرعی ساخته است. عنوان‌های فرعی این اثر ۳۵۰ مورد است و در سال ۱۸۷۷ میلادی به نام «بررسی‌های قرآنی» (Le Koran Analyze) منتشر شد (لایبوم، تفصیل الآیات، مقدمه).

اصل انتخاب و گزینش مفاهیم کلیدی ژول لایبوم نیز مبتنی بر ضرورت‌ها و مسائل مطرح در زمان تألیفش است. این اثر نخستین معجم موضوعی قرآن است که موضوعات مطرح‌شده در قرآن را همراه با آیات آن آورده است. «تفصیل الآیات» دارای سبکی بدیع، زیبا و برخوردار از دقت و اتقان نسبی است؛ ولی علی‌رغم امتیازات فراوانی که دارد، دارای نقاط ضعف و کاستی‌هایی است که بر قرآن‌پژوهان و مراجعه‌کنندگان به آن پوشیده نیست. البته باید یادآور شد که این کاستی‌ها و ضعف‌ها در مقایسه با امتیازات فراوان آن و به‌ویژه در مدت زمان تهیه آن یعنی حدود صد سال پیش و امکانات اولیه که ژول لایبوم در آن روز در اختیار داشته، بسیار ناچیز است و از ارزش آن نمی‌کاهد.

یکی از نکات مهم در این طبقه‌بندی انگیزه‌های لابوم و مبانی وی در طبقه‌بندی مفاهیم قرآنی است. با در نظر گرفتن تأثیر پیش‌فرض‌ها و اصول بنیادین در مباحث علمی، بررسی مبانی ژول لابوم نیز می‌تواند تأثیر بسزایی در چرایی و چگونگی تنظیم این اثر داشته باشد. از این روی این مقاله بر آن است که به مبانی بررسی مبانی و اصول معجم موضوعی قرآن «تفصیل الآیات» بپردازد.

تعریف طبقه‌بندی و قواعد آن

واژه "Classification" انگلیسی، به ریشه Class لاتین برمی‌گردد که به معنای طبقه است. کاربردی که این واژه در زبان لاتین داشت نیز به معنای طبقات اجتماعی هم‌چون طبقه اشراف، پیشه‌وران و کشاورزان بود. در ارتش رم برای رده‌های نظامی، از این کلمه استفاده می‌شد. واژه‌هایی مانند امیران، افسران، درجه‌داران و سربازان ارتش، نشان‌دهنده سطوح اعتبار و احترام در ارتش است که با هم متفاوت‌اند. بنابراین اصل معنای طبقه بندی در لاتین، نوعی طبقه بندی بوده که نوعی ارزش‌گذاری در آن وجود داشته است. بر خلاف این، طبقه بندی در طول قرن‌های اخیر، به شدت به سمت طبقه‌بندی خنثی گرایش یافته است (فدایی عراقی، علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ش ۱۵۹-۱۵۸: ۶).

طبقه در لغت به معنای گروه، صف و رده است و طبقه بندی به معنای صف بندی، تبویب و رده بندی کردن است (دهخدا، لغتنامه، ج ۳۳: ۱۶۴). طبقه بندی در اصطلاح به معنی کنار هم قرار دادن اشیاء بر اساس خواص یا ویژگی‌های مشترک آنهاست (مارسلا و آرتور، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، سال هفتم، ش ۲: ۲۳-۲۰). مطابق تعریف دیگری طبقه بندی مرتب سازی و تنظیم اشیاء یا افکار بر پایه ما به الاشتراکات و ما به الامتیازات ذاتی یا صفاتی، حقیقی یا مجازی آنهاست.

دو هدف اصلی طبقه بندی عبارت است از حفظ دانایی و تولید دانایی. این تقسیم‌بندی توسط مورتمیر جی. آدلر انجام گرفت. یعنی آدلر هم دقیقاً اصطلاحات حفظ دانایی و تولید دانایی را به کار می‌برد.

طبقه‌بندی‌های پیشرفته، خود به نوعی متأثر از بینش علمی و فلسفی عصر و زمان پدیدآورندگان آن است و این امر ما را نسبت به فهم و اعتقاد و اندیشه واضعان آن کمک

می‌کند و یا بیانگر حرفه و علاقه‌ای است که این گروه به موضوع و یا موضوعات خاصی داشته‌اند (فدایی عراقی، آفاق الحضارة الاسلامية: ۵). اگر به علاقه و یا حرفه اکثر آن‌هایی که در طبقه‌بندی صاحب اثرند، نگریسته شود، اغلب حکیم، ادیب و یا دائرةالمعارف‌نویس بوده‌اند و این به خوبی نشان می‌دهد که طرح‌هایشان نیز متأثر از نوع نگرش آنان است (ابن حزم اندلسی، مراتب العلوم: ۴۰).

انواع طبقه‌بندی

طبقه‌بندی بر اساس کارکرد و نوع بهره‌برداری از آن به اقسام مختلفی تقسیم شده است که در زیر به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

تقسیم طبقه‌بندی بر اساس کارکرد

بر اساس این تقسیم‌بندی دو نوع طبقه‌بندی تک وجهی و چند وجهی وجود دارد.

الف - طبقه‌بندی تک وجهی

این نوع از طبقه‌بندی که از گذشته به عنوان طبقه‌بندی درختی شناخته شده ساده‌ترین نوع طبقه‌بندی است. این تقسیم‌بندی از نظر کارکردهای آموزشی برای سطوح پایین بسیار کارآمد است، اما علی‌رغم این کارکرد بکارگیری آن برای سطوح بالاتر آسیب‌های جدی به علوم انسانی وارد خواهد کرد، زیرا عملاً در حوزه‌های علوم انسانی طبقه‌بندی درختی وجود ندارد. یک پدیده در علوم انسانی قادر است که به سرشاخه‌های مختلفی وصل باشد.

از این رو است که ضرورت مطالعات بین رشته‌ای در عصر حاضر احساس شده و پیگیری می‌شود (پاکتچی، کارگاه طبقه‌بندی، ۱۳۹۰). البته شاید طبقه‌بندی درختی در برخی از حوزه‌ها مؤثر واقع شود. در عین حال این موارد نیز با اما و اگر همراه است. به این معنی که ممکن است افراد را دچار مشکل کند (فدایی عراقی، طرح جدید لتصنیف العلوم: ۵).

ب- طبقه‌بندی چند وجهی

این اصطلاح از اوایل قرن بیستم در حوزه طبقه‌بندی به کار برده می‌شود. طبقه بندی‌های قبلی (JEL، LC، دیوئی) صرفاً بر اساس موضوع بود؛ یعنی امکان این وجود نداشت که یک پدیده را از چند جنبه مختلف در چند طبقه مختلف قرار داد و هم‌چنین سیستم موجود، درختی بود.

اما طبقه‌بندی چند وجهی، از سیستم طبقه بندی درختی عبور کرده، به طوری که این اجازه را می‌دهد که یک پدیده را به چند شاخه متصل کرد، نه الزاماً به یک شاخه. شاید یکی از اولین نمونه‌های این طبقه بندی، مربوط به حوزه کتابداری هست (فدایی عراقی، علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه، ش ۱۵۸: ۱۵۹).

تقسیم طبقه‌بندی بر اساس نوع نگاه به جهان

در تقسیمی کلی از این زاویه می‌توان طبقه‌بندی را به طبقه‌بندی خدامحوری و انسان‌مدار تقسیم کرد (طاهری عراقی، تقسیم‌بندی علوم در نزد غزالی: ۶۴). برای مثال طبقه‌بندی‌های خدامحوری مانند علوم دین و علوم دنیا؛ فرض عین و فرض کفایت و تقسیم‌بندی دو دویی جهانی.

در تقسیم‌بندی علوم که بر اساس دیدگاه مذهبی و یا خدامحوری طراحی شده است، بسیاری از طبقه‌بندی‌ها را می‌توان جای داد. زیرا اکثر قریب به اتفاق آنان به نوعی درباره خدا و پدیدآور جهان جایی را در نظر گرفته‌اند. اما در اینجا منظور ما تنها آن طبقه‌بندی‌هایی است که در آغاز و با نگاه نخست از منظر الهی طرح خود را شروع کرده‌اند (طاهری عراقی، تقسیم‌بندی علوم در نزد غزالی: ۳۵).

طبقه‌بندی دودویی جهانی را هم می‌توان علاوه بر طبقه‌بندی خدامحوری به واقعیت‌محور توصیف کرد. زیرا این طبقه‌بندی اگر چه ملهم از آیه‌ای از آیات قرآن است، اما از آنجا که اساس طبقه‌بندی خود را بر اساس شناخت و مطالعه واقعیات موجود، یعنی انسان و طبیعت، جسم و روح، آسمان و زمین و مانند آن طراحی کرده است، می‌تواند به عنوان واقعی‌ترین (تحقیقی‌ترین) نوع طبقه‌بندی علوم تلقی شود.

طبقه‌بندی‌های انسان‌مدار را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد (طاهری عراقی، تقسیم‌بندی علوم در نزد غزالی: ۳۵).

الف - اندیشه (عقل) محور

بر اساس طبقه‌بندی اندیشه محور، به مقدار زیادی فلاسفه شرق و غرب در کنار هم قرار می‌گیرند. مثلاً تقسیم‌بندی / رسطو به نوعی اندیشه‌محور است؛ زیرا او حکمت را بر دو دسته تقسیم می‌کند و حکمت از اندیشه انسان برمی‌خیزد. بسیاری از دانشمندان اسلامی هم به نوعی از وی تبعیت کردند. هگل هم که از کسانی است که سخت مورد توجه غربیان است، در تقسیم‌بندی خویش به اندیشه بسیار بها داده است (طاهری عراقی، تقسیم‌بندی علوم در نزد غزالی: ۳۵).

ب - آموزش محور

از آنجا که واضعان بعضی از طبقه‌بندی‌ها به نوعی دائرةالمعارف‌نویس بوده‌اند و یا مشاغلی چون وزارت و یا دبیری مقامات سیاسی را داشته و یا در واقع معلم بوده‌اند، لذا طبقه‌بندی آن‌ها گویی متأثر از شغلشان بوده است. در این مورد می‌توان از طبقه‌بندی فارابی، ابن حزم اندلسی، ابن اکفانی و قلقشندی و مانند آن‌ها نام برد.

ج - تجربه محور

از زمانی که دکارت با شعار "من فکر می‌کنم پس هستم"، اساس تجربه را بنیان نهاد، اغلب متفکران بعد از او روش وی را در کار تقسیم‌بندی علوم خویش لحاظ کردند. نمونه این تقسیم‌بندی‌ها عبارت‌اند از طبقه‌بندی علوم از بیکن، اگوست کنت، اسپنسر و آمپر (شاله، فلسفه علمی یا شناخت روش علوم: ۱۰۴).

د - ماده محور

به نظر می‌رسد از آنجا که «دائرةالمعارف بریتانیکا» از ماده و انرژی تقسیمات خود را شروع کرده و این تقسیم‌بندی با تقسیمات دیگر فلاسفه مشابَهت چندانی ندارد، تا

اندازه‌ای متأثر از فرهنگ حاکم بر قرن بیستم یعنی مارکسیسم و دست‌کم سوسیالیسم نوشته شده باشد (فدایی عراقی، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۱۵۹-۱۵۸).

طبقه‌بندی علوم قرآن با ملاک روش از دیدگاه ژول لایبوم

دیدگاه ژول لایبوم در طبقه‌بندی قرآن این است که این علوم را بر مبنای انواع روش‌هایی که در مطالعه گزاره‌های قرآن به کار می‌رود، می‌توان دسته‌بندی کرد. قرآن انواع گزاره‌ها را در حوزه عقاید، احکام و اخلاق دارد که از مجرای وحی الهی فرود آمده است. برای فهم و استنباط از قرآن، لازم است گزاره‌های موجود در آن از دو جهت، یکی از جهت سند و دیگری از نظر دلالت تحقیق شوند.

بر اساس مبنای مذکور روش‌های عمده مطالعه در قرآن نیز به دو شیوه مطالعات سندی و مطالعات دلالتی (دلالت‌های الفاظ آیات) تقسیم می‌شود (ساجدی، زبان دین و قرآن، جلد اول: ۲۲).

الف- مطالعات سندی در قرآن (مبانی صدور)

منظور از مطالعات سندی مجموعه مطالعاتی است که وحیانی بودن قرآن و صدور آن از ناحیه ذات اقدس الهی را به اثبات می‌رساند. این نوع مطالعات را می‌توان مبانی صدور قرآن نیز نامید. قبول یا رد این مبانی می‌تواند چهره مطالعات قرآنی را عوض کند. مثلاً اگر کسی صدور قرآن را از ناحیه خداوند متعال نپذیرد و آن را تجربه‌های روحانی پیامبر/اسلام(ص) قلمداد کند، در این صورت تفسیر او از قرآن، تفسیر کلام خدا نخواهد بود و صرفاً تفسیری بر کلام پیامبر(ص) محسوب خواهد شد. به عبارت دیگر، اول باید این مسأله حل شود که منظور از کتاب خدا «قرآن» چیست؟ آیا همان کلماتی است که خدا از آن‌ها استفاده کرده است؟ یا مضامینی است که پیامبر(ص) آن‌ها را بر گرفته و خودش کلمات را به عنوان قالبی برای بیان این مضامین ارائه است؟ (فتح‌اللهی، متدولوژی علوم قرآنی، ج ۱: ۷۲).

هم‌چنین اگر کسی بر اساس دیدگاه برخی از مستشرقان، قرآن را خلاصه‌ای از آموزه‌های ادیان دیگر مثل یهودیت و مسیحیت بپندارد و معتقد شود که پیامبر

اسلام(ص) متن قرآن را با استفاده از تعالیم ادیان دیگر طراحی کرده است در این صورت نوع مطالعات قرآنی دچار تغییر و تحول جدی خواهد شد.

برخی از مستشرقان در برخورد با منابع اسلامی به ویژه قرآن و سنت، سعی در القاء این نکته نموده‌اند که این منابع از ادیان دیگر تأثیر پذیرفته‌اند. به عنوان مثال مونتگمری وات در کتاب خود «محمد در مکه» معتقد است که پیامبر اسلام(ص) از ورقه بن نوفل مسیحی و افکار او تأثیر پذیرفته است و ورقه بن نوفل در هجرت پیامبر(ص) به مدینه جهت استفاده از دین یهودیت و مسیحیت برای ساختن دین جدید نقش مؤثری داشته است(Watt, Muhammads Mecca, pp. 51-52).

هم‌چنانکه مستشرقی دیگر به نام بل نیز پیامبر اسلام(ص) را متأثر از آموزه‌های یهودی و مسیحی می‌داند(Bell, Introduction to the Quran, pp 35).

چنین دیدگاه‌هایی نوعی فرافکنی است که توسط برخی مستشرقان مطرح شده است. البته مستشرق منصفی مثل ژول لایبوم نیز به مخالفت با این دیدگاه پرداخته و معتقد است که آنچه اصالت الهی بودن قرآن را تأیید می‌کند، این است که این کتاب بر کسی که خواندن نمی‌دانسته الهام شده، و بدین ترتیب او نمی‌توانسته از مطالعه مستقیم نوشته‌های یهود و مسیحی بهره گیرد. بنابراین، رد یا قبول چنین نظریاتی در نوع مطالعات قرآنی اثرگذار بوده و ضرورت مطالعات سندی درباره قرآن و مبانی صدور آن را بیش از پیش می‌نمایاند.

ژول لایبوم قرآن‌شناسی است که با اعتقاد به وحیانی بودن قرآن، آن را مورد مطالعه قرار داده است. البته وی پیش‌فرض‌های فرعی دیگری نیز از جمله اینکه الفاظ قرآن، کلام خداست، داشته است. یا اینکه خطا در مسیر نزول وحی به پیامبر(ص) راه نیافته و پیامبر(ص) در گرفتن وحی و نیز ابلاغ آن به مردم از هر گونه خطا و اشتباهی مصون بوده است(لایبوم، تفصیل الآیات، چاپ ۲، مقدمه).

ب- مطالعات دلالی در قرآن(مبانی دلالی)

منظور از مطالعات دلالی، مطالعه و بررسی در چگونگی دلالت الفاظ آیات الهی است. این نوع مطالعات را می‌توان با عنوان مبانی دلالی قرآن نیز نامید. در تعریف مبانی دلالی

آیات قرآن گفته‌اند: «مبانی دلالی، به آن دسته از مبانی اطلاق می‌شود که فرآیند فهم مراد خداوند از متن را سامان می‌دهند» (شاکر، ترمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن: ۱۴۱).

این مبانی را می‌توان از دانش‌هایی چون منطق، اصول فقه، زبان‌شناسی، هرمنوتیک به دست آورد. قرآن‌شناسان گذشته همانند ژول لابوم نوعاً این مبانی را از علومی مثل منطق و اصول فقه می‌گرفته‌اند. اما امروزه با توسعه مطالعات زبان‌شناسی و اصول و مبانی هرمنوتیک برخی از مباحث جدید به حوزه مطالعات قرآن راه پیدا کرده‌اند که باید بر اساس مبانی زبان‌شناسی یا هرمنوتیک جدید مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

پیشینه طبقه‌بندی موضوعی قرآنی مستشرقان

در سیر تدوین فهرستگان برای منابع دینی، به تدریج فهرست و نمایه کلمات و آیه‌ها، جای خود را به نمایه‌سازی موضوعی داد. بسیاری از قرآن‌پژوهان مستشرق با توجه به این واقعیت که الفاظ و عبارات قرآن کریم، حاوی اطلاعات و مطالبی فراتر از کلمات و واژه‌ها هستند، و آن‌ها را نمی‌توان از طریق واژه‌ها به دست آورد، اقدام به فرهنگ‌نگاری موضوعی کردند.

فهرست بندی قرآن کریم به شکل ابتدایی خود در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی معمول شد. در این زمان ویلیام بدویل انگلیسی (۱۵۶۱-۱۶۳۲م)، فهرستی از قرآن و نام برخی از تفسیرهای آن به زبان ترکی ترتیب داد. این کتاب در سال ۱۶۱۵م در لیدن به طبع رسید. معجم‌نگاری موضوعی در زمینه قرآن کریم سابقه دیرینه ندارد بلکه فعالیت تحقیقی جدید و رو به رشد و تکاملی است. معجم‌نگاری قرآن در میان مستشرقان به لحاظ پیشینه به نیمه اول قرن ۱۹ میلادی باز می‌گردد. در معجم‌نگاری لفظی اولین معجم الفاظ را *گوستاو فلوگل* (۱۸۰۲-۱۸۷۰م) مستشرق آلمانی تنظیم کرد که آن را با نام «*نجوم الفرقان فی اطراف القرآن*» جهت جست‌وجوی آیات قرآنی در سال ۱۸۴۲م به رشته تحریر درآورد و در شهر لایپزیک آلمان چاپ نمود (علی الصغیر، خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی: ۷۸). ظاهراً نخستین کارها به سبک آکادمیک، فهرست موضوعی «*تفصیل الآیات*» ژول لابوم (۱۸۷۶) است. او که به لحاظ زمانی معاصر *فلوگل* بوده، به حق در زمینه تفصیل و طبقه‌بندی آیات قرآن قریب سی

سال کوشش نموده و موضوعات قرآن را به سبک شیوایی رده بندی کرده است. روش کار این خاورشناس آن بود که آیات مخصوص به یک موضوع را در فصلی واحد قرار داده بود آن چنان که می توان گفت وی قرآن را اندک اندک و به حسب موضوعات از یکدیگر جدا ساخته و سپس آن ها را موضوع به موضوع جمع کرده است.

این اثر علمی نخستین کار جدی در معجم موضوعی قرآن است. ژول لایبوم در این کتاب در راستای کار *فلوگل* به دسته بندی موضوعی آیات قرآن پرداخت و معجم موضوعی آیات قرآن را به زبان فرانسوی تألیف و منتشر کرد. این کتاب فهرست موضوعی کل آیات قرآن می باشد که در هجده عنوان اصلی و سیصد و پنجاه عنوان فرعی تقسیم شده است. عناوین اصلی فصول این کتاب عبارت است از تاریخ، محمد، تبلیغ، بنی اسرائیل، تورات، نصاری، ماورای طبیعت، یگانگی خدا، قرآن، دین، عقاید، عبادات، شریعت، نظام اجتماعی، علوم و فنون، تجارت، علم تهذیب اخلاق و رستگاری.

انگیزه های ژول لایبوم در طبقه بندی موضوعی قرآن

بوجود آمدن سؤال های فراوان و ایجاد شبهه درباره مفاهیم دینی و یا وجود انگیزه هایی برای بدست آوردن اطلاعات بیش تر درباره حقایق و جوهر دین، باعث گردیده که برای دست یافتن به پاسخ آن ها، به منابع اصلی دینی مراجعه شود و گستردگی آن ها انجام آن را مشکل کرده است. اساساً چرا غربیان و یا به تعبیر دقیق تر، ژول لایبوم مسیحی اقدام به معجم نگاری قرآن کرد؟ انگیزه های آنان متفاوت بوده است. ممکن است علت آن، علاقه به قرآن یا معارف قرآن باشد، اما صبغه غالب بر انگیزه های فردی مسیحی برای طبقه بندی قرآن، طبیعتاً باید انگیزه علمی باشد. البته کم تر مستشرق و پژوهشگری غربی را می توان یافت که بدون انگیزه خاص و جهت گیری قبلی و کاملاً بی طرفانه و صرفاً به سبب علاقه به آشنایی با معارف قرآن مسلمانان، عمر خویش را وقف پژوهش های قرآنی کرده باشد.

البته اگر بخواهیم واقع بینانه برخورد کنیم، نباید بگوییم همه پژوهش های مستشرقان مغرضانه است. واقعیت این است که مستشرقان در مجموع انگیزه های گوناگونی داشتند. اسلام شناسان و قرآن پژوهان غربی در سه دسته قرار دارند: دسته اول، مستشرقانی

هستند که از کلیسا برآمدند. این افراد کشیش بودند یا در ابتدا، دوره‌های درسی خود را در مدارس کلیسایی گذراندند و فارغ التحصیل شدند. برخی از آنان نیز افرادی بودند که از طرف کلیسا به کارهای قرآنی مأموریت یافتند. در واقع آن‌ها اسلام‌شناس و قرآن‌پژوه صلیبی بودند که هدفشان تنها تأمین اهداف صلیبی‌ها بوده است. این افراد در صدد بودند تا بفهمند با شناخت اسلام و قرآن چه نقاط ضعفی را می‌توانند پیدا کنند تا با ثابت کردن آن، مسیحیت را گسترش دهند. دسته دوم، مستشرقانی هستند که به طور رسمی از سوی وزارتخانه‌های مختلف دولت‌های اروپایی و غربی وارد کار شدند. دسته سوم، از اسلام‌شناسان و قرآن‌پژوهان در غرب از نیمه دوم قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم ظهور یافتند که در بین برخی از آن‌ها انگیزه‌های علمی صرف برای پرداختن به موضوع اسلام وجود دارد (اعتصامی، مطالعات آکادمیک مستشرقان در مورد قرآن: ۲۹-۷۰).

الف- انگیزه علمی

در زمانی که تحقیقات شرق‌شناسان تحت تأثیر انگیزه‌های مختلف قرار دارد، ژول لابوم با انگیزه علمی اقدام به طبقه‌موضوعی قرآن کرد. از بررسی کتاب وی به نام «ایدئولوژی و فرهنگ اسلام» اینگونه برمی‌آید که او حق جویانه به پژوهش مشغول شد و از سوی هیچ سازمانی مأموریت رسمی نداشته و به صورت مستقل فعالیت کرده است. وی در کتابش پس از بررسی اوضاع عربستان قبل از میلاد پیامبر(ص) می‌گوید امکان نداشت که روحانیت مسیحیان بتوانند انسان را به زیور مدرکات عالی اعتقادی و مفاهیم ارزنده ایدئولوژی پیوند و آرایش دهند، بلکه انسان را در هاله‌ای از خرافات و افسانه‌های موهوم و رموز پیچیده، محو کرده بودند. محمد پیامبر خدا(ص) در چنین روزگار تیره و تاریک در میان این نسل سرگردان و سنگدل در ۲۹ اوت سال ۵۷۰ میلادی پا به عرصه وجود گذاشت (دریائی، اسلام از دیدگاه ژول لابوم: ۴۹).

در قرن نوزدهم با رشد استشراق علمی، ژول لابوم علاوه بر بررسی اوضاع گوناگون بلاد شرقی، به تحقیق و بررسی کتاب‌های خطی جمع‌آوری شده از جهان اسلام و شرق نیز پرداخت و با استفاده از آن‌ها کتابش را با تحقیق ستودنی منتشر ساخت. شایان ذکر است همواره جدالی بزرگ میان دانشمندان و ادیبان ما و این مستشرقان درباره درستی این انگیزه و یا نادرستی آن جریان دارد. البته نگاه علمی اقتضائات خاص خودش را دارد

که از آن میان می‌توان به بی‌طرفی و آزادی پژوهشگر اشاره کرد. پژوهشگر انسانی است که باید خود را از بسیاری مسائل آزاد کند و با بی‌نظری و بی‌طرفی به سراغ مدارک و منابع پژوهش برود. چنین فردی وقتی به یافته‌ای دست پیدا می‌کند، ممکن است خودش هم تحت تأثیر قرار گیرد؛ یعنی اگر واقعاً با بی‌طرفی محض و به قصد کشف حقیقت به مطالعه فرهنگی دست زند، وقتی حقیقتی را تشخیص دهد آن را می‌پذیرد

ب- پاسخگویی به نیاز مخاطبان

ژول لایوم انگیزه‌های گوناگونی در ایجاد این نوع طبقه بندی داشته است. حجم نسبتاً زیاد قرآن کریم و فراوانی آیات آن از یک سو و گستردگی و جامعیت مطالب آن از سوی دیگر ضرورت تدوین طبقه بندی قرآن را محسوس گردانید، چراکه در قرن نوزدهم با توجه گسترش استشراق و با توجه به رشد فزاینده گرایش اروپاییان به تحقیق و مطالعات قرآنی و از سوی دیگر خواسته‌ها و مطالبات مردم به خصوص جویندگان معارف دینی برای یافته‌های خود و پاسخ دادن به شبهه‌ها و سؤال‌ها این نیاز آشکارتر گردید. ژول لایوم بدست آوردن اطلاعات از متون اصلی را بیش‌تر احساس کرد و در نتیجه رویکردش به استفاده از نمایه و تدوین فرهنگ و معجم موضوعی بر اساس موضوعات و مفاهیم قرآن، در این زمان، جایگاهی مهم یافت (مرادی، نشریه فنی مرکز اسناد و مدارک علمی، شماره یک: ۲۱-۲۲).

از بررسی کلی فهرست اینگونه برمی‌آید که اساس طبقه‌بندی ژول لایوم مبتنی بر دغدغه‌های فکری خود و بر اساس نیازهای جامعه فعلی‌اش بوده است و بسیار متأثر از دانش‌ها و مقتضیات عصر خود بوده است که پانزدهمین باب از کتابش را علوم و فنون نام نهاده و آیاتی را در این زمینه ذکر کرده است. به همین جهت در باب اول به نام تاریخ، یکی از فروعات به نام "روم" هست که در مقدمه کتابش، آشفستگی اروپا و علل آن را یکایک برشمرده و اختلافات مردم در مسایل دینی و فلسفی را در جنگ‌های داخلی و خارجی شرح داده و از جنگ میان فارس و روم یاد کرده و اینکه رومیان و یونانیان در شمال آفریقا خون مردم را می‌مکیدند. در نتیجه جست‌وجو برای یافتن کلمات مورد نظر و نیز موضوعات و مطالب قرآن، او را بر آن داشت که برای یافتن آن‌ها اقدام به معجم‌نگاری کنند. او انگیزه خود را از اقدام به این کار، چنین شرح کرده است:

«اندیشیدم راهکاری بیایم که آسان‌یاب باشد و پژوهشگر را از کوتاه‌ترین راه به مقصود برساند». در واقع ژول لایبوم با انگیزه رفع نیاز مخاطبان دست به تدوین معجم موضوعی برای قرآن زده است (لایبوم، تفصیل الآیات: ۲).

ج- ایجاد بانک جامعی جهت دستیابی به موضوعات قرآنی

زمانی که تحولات چشمگیری درباره فهم مفاهیم دینی رخ داد، پژوهش‌های قرآنی ژول لایبوم به این نکته معطوف شد که مفاهیم دینی، موضوعاتی عمومی هستند و همگان با آن‌ها سر و کار دارند و کم‌تر کسی است که از آن بی‌نیاز باشد. ژول لایبوم معتقد بود که حوزه فهم دینی اگر امری تخصصی باشد اما حوزه کاربرد آن در انحصار گروهی خاص و طایفه ویژه‌ای نیست و همگان با آن سروکار دارند و جویندگان فراوانی در صدد هستند تا خواست‌های خود را از منابع اصلی به دست آورند. بنابراین، جویندگان دقیق اطلاعات دینی باید بتوانند از طریق سیاهه‌هایی، به راحتی به مطالب مورد نظر خود برسند. وی در آن دوره مشاهده نمود که محققان قرآن‌پژوه در پی بدست آوردن مطالب مورد نیاز خود از منابع اولیه دینی هستند، اما هیچ بانک جامعی وجود ندارد که چنین نقشی را ایفا کند، در نتیجه وی را بر این امر مصمم نمود.

نگاهی گذرا به کتاب‌های تدوین‌شده در زمینه اطلاع‌رسانی از معارف دینی نشان می‌دهد که پیروان ادیان در این زمینه، احساس مشترکی داشته‌اند و در هر مقطعی به تناسب دانش روزگار خود، از ابزار مناسب برای اطلاع‌رسانی در جهت دستیابی به معارف دینی استفاده کرده‌اند. از نوشته‌های موجود استفاده می‌شود که پیروان ادیان برای پاسخ‌دادن به این احساس و نیاز، از ابتدایی‌ترین راهکارها شروع کرده و به تدریج با بهره‌گیری از تجربه‌ها، به دانش نمایه‌سازی مدارک هم، رسیده‌اند. هم در میان مستشرقان مسیحی و هم در میان مسلمانان، اقدام‌های قابل توجهی در زمینه اطلاع‌رسانی از مفاهیم دینی صورت گرفته است.

اما یکی از نکات مهم که در انجام این نوع طبقه‌بندی مطرح است، این است که ژول لایبوم زبان عربی را نمی‌دانست و از ترجمه فرانسوی کازیمیرسکی استفاده کرد. در صورتی که کسی که منابع دینی را طبقه‌بندی می‌کند، ضرورتاً باید از هر دو تخصص

برخوردار باشد: تخصص در امر طبقه بندی و تخصص در علوم دینی. در واقع معجم‌نگاری از آن جهت که برای پاسخ دادن به جست‌وجوی طالبان اطلاعات است، معجم نگار باید متن را به درستی بشناسد و سپس آن را بر اساس قواعد و رعایت امانتداری طبقه بندی نماید. ایده طبقه بندی مدارک و منابع، زمانی می‌تواند جامعه عمل بیوشد که تحلیلگران و نمایه‌سازان از توانمندی در خوری برخوردار باشند.

در آن زمان مسلمانان برای حفظ قرآن از هرگونه گزند و تحریف، هیچ طبقه بندی در داخل آن انجام ندادند و ترجیح دادند قرآن را به همان کیفیت که اولین بار تدوین یافت، نگهداری کنند. اما در عین حال، این انگیزه اطلاع رسانی باعث شد که ژول لایبوم قرآن پژوه اقدام به طبقه بندی موضوعی آیات کند. اما هیچ‌گاه نتوانست جای اطلاع رسانی دقیق را از معارف آیات الهی پر کند. بنابراین ژول لایبوم در پی تلاشی که برای تهیه سیاهه‌ای متناسب جهت یافتن آیات مورد نظر انجام داد، کتابش را تألیف نمود.

آنچه در این مبحث مد نظر می‌باشد، این است که وی در بیان حقیقت صادق بوده و اگر دچار اشتباهی شده است، ناشی از جهل و عدم شناخت کامل از اسلام و مسلمانان و ندانستن زبان ملت‌های شرقی و اسلامی بوده است. وی با این هدف که بهترین وسیله وقوف افراد عادی از رموز قرآن، طبقه بندی آیات کریمه و ضم فهرستی به آن است که بدین طریق استفاده از تعالیم عالیه آن بدون صرف وقت امکان‌پذیر باشد، مبادرت به طبقه بندی آیات قرآن از حیث موضوع شد که نسخه‌ای از آن در مصر به دست استاد محمد فؤاد عبدالباقی عضو انجمن مشورتی مجامع علمیه مستشرقان افتاده و نام‌برده با حفظ همان اسلوب عین آیات را به همان نظم تحت فصولی مجتمع و به نام «تفصیل آیات القرآن الکریم» به انتشار آن مبادرت کرد و استاد معظم محمد فرید وجدی منشی کل جامع از هر تقریظ بسیار جالبی بدان مرقوم داشته است (عبدالباقی، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم: ۳).

یکی از مهم‌ترین نکات مثبت پژوهش ژول لایبوم در حوزه قرآن عبارت است از اینکه، کتاب «تفصیل طبقات آیات القرآن کریم»، پیش از تولید نرم افزارهای کامپیوتری برای جست‌وجوی آیات، بسیار کاربرد داشت. در کل وی صبر و حوصله بسیاری داشت و به

شکل خستگی‌ناپذیری نزدیک به سی سال کار کرد و کتابی نوشت که روش تحقیق را برای ما راحت می‌کند.

مبانی و اصول ژول لابوم در طبقه‌بندی موضوعی قرآن

خاورشناسان در اکثر مباحث علمی با اتخاذ مبانی و پیش‌فرض‌هایی غالباً نادرست، در صدد اثبات تشکیکات خود در مباحث قرآنی بوده‌اند. بسیاری از خاورشناسان از آنجا که دغدغه و نگاه و بینش اسلامی ندارند قرآن را مولود وحی نمی‌دانند، بلکه آن را حاصل نبوغ فکری یا افکار اصلاحی پیغمبر یا تجربه ذهنی ایشان معرفی می‌کنند. در واقع آن‌ها بر اساس این دیدگاه قرآن را کتابی نگاشته شده و دارای مؤلف می‌پندارند. بعضی از این شرق‌شناسان پیامبر اسلام را مؤلف و مبتکر قرآن به شمار می‌آورند.

مستشرقان با رویکردهای مختلفی به پژوهش‌های قرآنی دست زده‌اند، اما آنچه جالب توجه است اینکه این محقق و اندیشمند منصف و بدون غرض، به خاطر مضامین بلند قرآن، به وحیانی بودن قرآن اعتقاد پیدا نموده چنانچه در کتابش بیان کرده که با رحلت پیامبر اسلام وحی قطع شد (لابوم، فرهنگ و ایدئولوژی در اسلام: ۱۶۵). او از اعتقادات اولیه خود که قرآن را کتابی ساخته ذهن پیامبر (ص) می‌دانست، به کلی برگشته و به صداقت پیامبر، معتقد شده است. از اعترافات ژول لابوم این است که اسلام آئینی است که آن را آخرین پیامبر از تبار پیامبران که از میان توده مردم عرب برخاسته بود برای هدایت و سعادت بشر به ارمغان آورد که پایان بخش مقام نبوت و رسالت سفرای الهی می‌باشد (لابوم، فرهنگ و ایدئولوژی در اسلام: ۲۰).

وحیانی بودن قرآن

یکی از مبانی ژول لابوم که در پژوهش خویش برگزیده و در موارد متعددی بر آن تکیه و تأکید کرده، این است که تلاش نمی‌کند مانند ادعای سست و بی‌پایه بسیاری از مستشرقان منبع و سرچشمه اصلی بسیاری از آیات و سور قرآن را کتب آسمانی پیشین از قبیل تورات و انجیل معرفی کند؛ بدین معنا که پیامبر/اسلام مطالب آن‌ها را مطالعه نموده و پس از الگوبرداری، با اعمال تغییرات و تصرفاتی به شکل دیگری ارائه داده است. ژول لابوم در مقدمه‌اش در مورد آورنده وحی می‌گوید: «برای آنکه انسان کاملاً به اهمیت

دعوت و رسالتی بزرگ آگاه شود، لازم است به طور کامل از وضع شاخص دعوت‌کننده اطلاع حاصل نماید و نیز به منظور ارزیابی اهمیت و ارزش این دعوت و رسالت، ضرورت دارد که جنبه انسانی آن مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد، چنانکه *ژول لایوم* در مقدمه خود می‌گوید، آنچه بر ملت روم و ایران حکومت می‌کرد، خشونت بود و قساوت و تبعیض. اینها عوامل پوسیدگی حکومت و فرسودگی قوانین مرتجعانه آن است که منجر به جنبش و انقلاب می‌گردد. «اسلام به سان موتوری نیرومند این حرکت را آفرید و هنوز نیز می‌آفریند» (لایوم، تفصیل الآیات، مقدمه).

هم‌چنین در جای دیگر گفته است: «آیین اسلام برای پیروان خود بحث و ابراز نظر در اصول دین را آزاد و مجاز اعلام کرده است». با رحلت پیامبر وحی قطع شد، مسلمین ناچار به این اصل گرایش یافتند و در فروع عبادات و نظام تبادلات اقتصادی شروع به بحث و ابراز نظر نمودند (لایوم، فرهنگ و ایدئولوژی در اسلام: ۱۶۵). وی معتقد است اسلام، عباداتی را که بر بندگانش واجب کرده است و نیز سنت‌هایی که پیامبرش را به آن فرمان داده است، وسیله‌هایی در خدمت هدف که ترقی و تکامل باشد قرار داده است (همان: ۱۵۸).

ژول لایوم با مطالعه و بررسی اوضاع اجتماعی مردم مکه و مدینه و تعداد محدود مسیحیان در آن دو شهر و عدم دسترسی به ترجمه عربی عهدین به این نتیجه رسیده است که تأثیرپذیری قرآن از جامعه مسیحیان و یهودیان مکه و مدینه به طور کلی، منتفی و ناممکن به نظر می‌رسد. و معتقد است آورنده قرآن فردی راهب نیست. پیامبر مسلح است و هدف رسالتش، آگاهی و عدالت است (همان: ۱۵). البته وی در مواردی قرآن را در با تورات، انجیل و دیگر کتب آسمانی مقایسه کرده است و به برتری قرآن اذعان داشته است.

ژول لایوم در ادامه تحقیقاتش می‌گوید: «وقتی ما می‌گوییم اسلام آمد و با اصول بنیادی خود بر تمام اصول و ارکان موجود بر زمان خود پیروز شد، به این معناست که اصول آن از اصول قدیمی و پیش از خود کامل‌تر و برای ملت‌ها مناسب‌تر و شایسته‌تر بوده و می‌باشد (همان: ۵۶).

مراجعه به مطلق منابع اسلامی و عدم طبقه‌بندی آن‌ها از جهت اعتبار

ژول لایبوم به همه منابع مسلمانان از منابع تفسیری، حدیثی، تاریخی، ادبی، کلامی مراجعه کرده و طبقه‌بندی خاصی از جهت کیفیت اعتبار آن‌ها در نظر نمی‌گیرد. در مراجعه به منابع تحقیق اصل نخست برای وی مراجعه به منابع کهن و اقدم است که این موضوع در تحقیقات علمی اصلی درست و قابل توجه است، اما به تنهایی کافی نیست. وی هم‌چنین به منابع و مطالب خاورشناسی دیگر استناد می‌کند که اطلاعات دقیقی از معارف و علوم قرآن ندارند؛ او در نوشته‌هایش از خاورشناسی به نام *کازین دوپرسوال* فرانسوی، رئیس موزه و گنجینه کتب خطی بیاناتی را مکرراً نقل می‌کند (لایبوم، فرهنگ و ایدئولوژی در اسلام: ۳۹). وی به نوشته‌های شرق‌شناسان بیش‌تر از نظریه‌های دانشمندان مسلمان اهمیت داده است.

ژول لایبوم به منابع اصیل اسلامی مخصوصاً منابع شیعی توجه نداشته است و آنچه را که هم‌مورد توجه قرار داده است، عمدتاً از منابع اهل سنت بوده است و اکثریت مبانی وی بر اساس این منابع است و به منابع شیعی اهتمام نمی‌ورزد و نوعاً ارزشی برای روایات قائل نشده است و در مواردی هم که به سنت استناد جسته، دنبال روایات ضعیف رفته است که این‌گونه روش تحقیق به‌ویژه در باب پژوهش‌های قرآنی، سست و غیرقابل دفاع است. وی بر همین اساس گفته است: «بهترین سندی که میزان آزادی سیاسی و دموکراسی واقعی را در آغاز حکومت اسلامی نشان می‌دهد، خطبه اول خلیفه اول است. وی پس از انتخاب به پیشوایی سیاسی مسلمانان به عنوان یک زمامدار، در یک نطق سیاسی با توده مردم چنین سخن می‌گوید و در ادامه سخن خلیفه اول را بیان می‌کند مبنی بر اینکه من بر شما حکومت یافته‌ام اما بهتر از شما نیستم و دوست داشتم کسی از شما مرا در این کار جانشین می‌شد و اگر در من کجی و انحرافی یافتید آن را راست کنید» (لایبوم، فرهنگ و ایدئولوژی در اسلام: ۲۶).

این نشان می‌دهد که حکمران به اراده آزاد مردم و انتخاب نشده است و از جهل مردم استفاده کرده است. این برداشت گویای عدم استفاده از منابع اصیل و عدم رجوع به منابع شیعی است. چراکه حضرت علی در جواب یکی از افسران‌ش که کورکورانه او را اطاعت و ستایش می‌کند می‌گوید: «من این حالت‌ها را نمی‌پسندم، بلکه آنچه را آزادانه

به حق می‌بینید، آزادانه به من بگویید». ژول لابوم در قسمتی از تحقیقاتش سخن از قبور و بارگاه مسلمین می‌آورد و آن را دلیل بر فتنه و فساد توده عوام شمرده است و عزاداری و سوگواری و جشن و مولودی برای ائمه شیعی را نوعی جنجال و آشوب قلمداد می‌کند و می‌گوید گروهی از مسلمین اطراف قبور صالحین خود هیاهو و سر و صدا به راه می‌اندازند. این محقق فرانسوی در ادامه می‌گوید: «تمام این‌ها از جهل برمی‌خیزد» (لابوم، فرهنگ و ایدئولوژی در اسلام: ۱۸۳).

عدم مراجعه به منابع اصیل شیعی و عدم درک صحیح معارف شیعه سبب چنین برداشت‌های نادرستی شده است. از آنجا که ژول لابوم با چنین نگرشی به مطالعات قرآنی از جمله طبقه بندی قرآن پرداخته است، طبعاً دچار لغزش‌ها و خطاهایی شده است. در نتیجه، دستاورد پژوهشی وی با روایات اسلامی سازگار نشده، بلکه میان دیدگاه‌های خود و نتایج بدست آمده از تلاش او هماهنگی و انسجام بسیار اندکی مشاهده می‌شود و این خود نشان می‌دهد که شیوه تحقیق و مبانی و معیارهای پژوهشی‌اش سلیقه‌ای می‌باشد.

نادیده گرفتن مبنای روایات و عدم رجوع به اسناد تاریخی مسلم

وی در بعضی از نظام‌های طبقه‌بندی موضوعات قرآن نتوانست به نتایجی قطعی یا کامل و جامع برسد؛ زیرا یا مبنای روایات را به طور کلی نادیده گرفته و به سراغ سبک و اسلوب و ویژگی‌های ظاهری آیات رفته است، یا به روایات ضعیف بسنده نمود، و یا در همه جا درصد یافتن تناسب مفهومی و محتوایی بوده و در نتیجه، حاصل پژوهش او، ذوقیات و حدسیات محض و تقریبی گردید و حال آنکه با توجه به تاریخی بودن این پژوهش، مناسب‌ترین شیوه تحقیق در این زمینه مراجعه به اسناد تاریخی مسلم، روایات مستند و صحیح و دقت در مضامین آیات و سوره است.

شاهد بر این ادعا آوردن باب توحید در هشتمین باب از ابواب هجده‌گانه‌اش است، چراکه ستون و زیربنای اسلام، توحید است که محقق فرانسوی شاید بدین خیال که توحید از آورده‌های انحصاری اسلام نیست، از ذکر آن در جایگاه اولین و مهم‌ترین باب خودداری کرده است. در صورتی که میان توحید اسلام و توحید، آن‌چنان که پیش از آن

بوده است، تفاوت‌های بسیاری است که اگر مطرح نشود نه تنها اسلام را به درستی نشناخته‌ایم، بلکه از یکی از عوامل نیرومند پیشرفت و نفوذش غافل مانده‌ایم. ما وقتی می‌گوییم توحید اسلام، نمی‌خواهیم مفهوم و معنی تازه‌ای بدان بدهیم و یا ادعا کنیم که اسلام در اینجا نظر تازه و اصل بی‌سابقه‌ای را عنوان کرده است، بلکه توحید را از آن جهت توحید اسلام می‌گوییم که قلمرو معنی، درجه مصداق آن و میزان شمول و نفوذ آن و دایره بسیار وسیعی که این معنی را فرا می‌گیرد، پیکر مفهوم توحید اسلام را می‌سازد.

رویکرد برون‌گرایی و عینیت‌گرایی به قرآن

بیش‌ترین عملکرد ژول لایبوم در طبقه‌بندی قرآنی، از خاستگاه و نگاه بیرونی به این کتاب مقدس بوده است. یعنی علوم قرآنی، اما در درون قرآن و آیات آن، وی بیش‌تر با نگاهی موضوعی و جزئی سراغ فهم آیات رفته است. اساساً مستشرقان تا پیش از یکی دو قرن اخیر، تلاش‌های متنوعی در زمینه مطالعات قرآنی نداشته‌اند، بلکه بیش‌تر تلاش‌های آن‌ها ناظر به ترجمه و فهم فردی معانی آیات قرآن کریم بوده است. اما به تدریج بر حجم و گستره حرکت‌های آن‌ها افزوده شد تا اینکه پس از رنسانس با گسترش علوم تجربی و انسانی، آن‌ها تلاش کردند با تمامی بسترهای فکری و پیش‌فرض‌های ذهنی خود اسلام و قرآن را تحلیل کنند.

ژول لایبوم در چکیده مقدمه‌اش در مورد نقش قرآن در زندگی مسلمانان چنین می‌گوید: «اگر مسلمین قرآن را به زندگی و مذهب خود بازگردانند خواهند توانست روح اسلام را چون یک جهان‌بینی لمس کنند» (لایبوم، تفصیل الآیات: ۲). در این روح است که حج و جهاد و امامت و شهادت و انتظار روح حیات‌بخش خویش را خواهند یافت و ما نیز روح و حیات خویش را.

رویکرد تاریخی به جهان‌آفرینش

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که در تقسیم‌بندی طبقه‌بندی‌ها نمی‌توان ادعا کرد که طبقه‌بندی فقط بر اساس محور خاصی شکل گرفته است. چه بسا

طبقه‌بندی قرآنی از زوایای مختلف مورد توجه باشد. به طور مثال طبقه‌بندی ژول لایبوم ممکن است هم به لحاظ روش و هم به لحاظ موضوع قابل مطالعه باشد. در مجموع می‌توان به نقش طبقه‌بندی در ساماندهی تفکرات علمی انسان اشاره کرد. فیلیپس شاله فلسفه طبقه‌بندی را چنین بیان می‌کند: «غایت فلسفه طبقه‌بندی دانش است. فیلسوف که می‌خواهد جهان را تبیین کند و آن را بشناسد و به دیگران هم بشناساند، چنانچه فاقد نظام دقیقی باشد از این شناخت محروم خواهد ماند» (شاله، فلسفه علمی یا شناخت روش علوم: ۴۰).

بنابراین طبقه‌بندی در متن برنامه معرفتی انسان قرار دارد. حتی وقتی سخن از کلی و کلیات می‌شود بدون گذر از مرحله طبقه‌بندی به صورت عینی نمی‌توان از آن دم زد. کلیاتی که اساس معرفت شناختی از نظر بسیاری از منطقیون قرار دارد. نگاه کلی هر اندیشمند معرفت شناس در تقسیم‌بندی علوم تأثیر بسزایی دارد.

اولین برش در تقسیم‌بندی ژول لایبوم بیان‌کننده نوع نگرش و بینش وی به جهان آفرینش است و به همین ترتیب سیستم فکری و عقلانی او را نشان می‌دهد و اینکه طبقه‌بندی وی متأثر از نوع نگاه او است. وقتی طبقه‌بندی علمی مورد قبول قرار گرفت، سازمان آن می‌تواند بر تقویت نوع نگرش در مراحل بعدی موثر باشد به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان به سادگی از آن دست برداشت و اگر دقت کافی نباشد، چه بسا اگر در آغاز نقصانی در آن بوده باشد بتواند تالی فاسدهایی را نیز به همراه داشته باشد.

اگرچه کل طبقه‌بندی محقق حائز اهمیت است، اما شروع کار و اولین نگاه او به جامعیت علمی که می‌خواهد درباره آن سخن بگوید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به قول کاوزنیک اولین برش در تقسیم و یا طبقه‌بندی بسیار مهم است و بیانگر نوع و توجه واضح آن طبقه‌بندی به جهان و جهانیان است. (Kwasnik, The Role of

Classification in Knowledge Representation and Discovery, p 22)

در اینجا در ابتدا از انواع طبقه‌بندی‌ها به برش اولیه‌ای که معجم نویس انجام داده است، یعنی تاریخ، توجه می‌کنیم. چراکه اولین برش به مقدار زیادی می‌تواند نوع نگاه و نگرش واضح طبقه‌بندی را تبیین کند و چه بسا اگر در طبقه‌بندی خود پیش رفته باشد، همین نگرش را ادامه داده است. از آنجایی که وی از محققین تاریخ نویس بود و در زمینه تاریخ جاهلیت عرب و ملل دیگر، اطلاعات بسیاری داشت و مسائل تاریخی جوامع

یکی از دغدغه‌های ذهنی او شده بود، اولین و مهم‌ترین باب طبقه‌بندی‌اش را با عنوان تاریخ آغاز کرد.

لایبوم در مقدمه کتابش به مسائل تاریخی اشاره کرده و به مشکلات اساسی جوامع نیز پرداخته است. مؤلف در مقدمه کتابش اینگونه دغدغه‌هایش را بیان کرده است: «اروپاییان از آنگاه که با مردم مشرق مرادیه آغاز کردند و به شناختن دین و لغات و مذاهب قبایل عنایت نمودند و برای آنکه حقایق هر چیز را چنانکه باید، دریابند، بحث در هر موضوع را به گروهی خاص سپردند و هر دسته برای تحقیق امری کوشیدند و به کشورهای شرقی سفر کردند و لغات آن‌ها را آموختند و از عادات آنان اطلاع یافتند و در آثار گذشتگان مانند خطوط و کاشی‌ها و ابنیه و غیر آن دقت کافی نموده، اسرار خطوط قدیم را دریافتند و از هیچ کوشش دریغ نداشتند تا در تواریخ اقوام گذشته، آنچه توانستند کشف کردند. اگر رنج آنان را در کشف مهمات تاریخ اهم مشرق و لغات و ادیان ایشان نادیده گیریم، حق آن‌ها را نشناخته و احسانی را انکار کرده‌ایم» (لایبوم، تفصیل الآیات: ۲).

مقایسه جوامع قبل و بعد از اسلام

ژول لایبوم در حاشیه چنین کار بزرگی پیرامون اصول و پایه‌های اساسی اسلام به تحقیق پرداخته و با مقایسه جو حاکم بر انسان پیش از اسلام و پس از پیدایش آن آئین جاوید، به روح اصیل اسلام مبادرت ورزیده است و پس از بیان اصول اساسی و نهادهای بنیادی اسلام اولیه که آن را مستقیماً از متن قرآن استخراج نموده است، به تشریح علل انحطاط و سقوط مسلمین و انحراف آن‌ها از این مبادی پرداخته است و عالمانه به هر یک پاسخ می‌دهد.

ژول لایبوم معتقد است که اسلام واسطه میان انسان و خدا را از میان برد و برای اولین بار ایجاد ارتباط مستقیم را میان دو قطب اعلام کرد. یعنی بر خلاف سایر ادیان در پذیرش عبادت و نماز لازم نیست که شخص از یک گروه مشخص مقام وساطت را میان مردم و خدا داشته باشد، بلکه هر انسانی می‌تواند خودش اعمال عبادی را انجام دهد (لایبوم، فرهنگ و ایدئولوژی در اسلام: ۶۶).

توجه به جلوه همبستگی مذهبی در قالب عبادات اسلامی

دوازدهمین باب کتاب معجم این اندیشمند، با عنوان "عبادات" است. وی در این باره چنین می گوید: «نمازهای پنج گانه از مظاهر همبستگی مذهبی است. آنگاه که بانک توحید در فضای شهرهای اسلامی طنین می افکند، گرویدگان به اسلام با شنیدن آهنگ آسمانی اذان در دل روز یا شب هنگام، به سوی مراکز نیایش با آفریدگار هستی بخش می شتابند، این شیفتگان ایمان به خدا، در هر نقطه از جهان و از افق های دوردست روی خود را به سوی نقطه ای واحد و کانونی مشترک، یعنی کعبه که در قلب مکه جای دارد می گردانند» (لابوم، فرهنگ و ایدئولوژی در اسلام: ۶۶).

رویکرد دفاعی از قوانین اسلام در برابر مخالفت با قوانین مسیحیت

ژول لایبوم در مخالفت با قوانین مسیحیت و ادیان دیگر به دفاع از اسلام پرداخته و می گوید: «اسلام بر اساس قوانین جاری در طبیعت، امیال غریزی و فطری را رسمیت بخشیده و به آن در حد اعتدال و تا مرز ضرورت جسمی و روحی اهمیت داده است. و حتی دستور صریح داده است که امیال و غرایز خود را اعمال کنید، بر خلاف زهد و اعراض از دنیا که شیرازه اغلب مذاهب دنیا است. از این قبیل است، اصل قصاص برای تشقی غریزه خشم و انتقام معقول و مباح بودن جنگ برای ادامه بقاء، طلاق و تعدد زوجات و محکوم کردن فقر و اجازه دادن به افراد برای مبارزه علیه فساد و ظلم، زیرا تمام این امیال از نیازهای فطری و طبیعی نشأت می گیرد. اسلام برای پیروانش تمام ویژگی های ملل زنده و جوامع شایسته را در عروج به مراحل تکامل انسانی در نظر گرفته است» (لابوم، فرهنگ و ایدئولوژی در اسلام: ۱۳۴).

نتیجه بحث

طبقه بندی مفاهیم قرآنی می تواند بر اساس روش های مختلفی صورت گیرد. گاه می توان آن را بر اساس کارکرد طبقه بندی کرد که در دو گونه طبقه بندی تک وجهی و طبقه بندی چند وجهی جای می گیرند. طبقه بندی بر اساس نوع نگاه به جهان نیز به چهار قسم تقسیم می شود: عقل محور، آموزش محور، تجربه محور و ماده محور.

طبقه‌بندی علوم قرآن با ملاک روش از دیدگاه ژول لابوم که منظور مطالعات سندی در قرآن (مبانی صدوری) و مطالعات دلالی در قرآن (مبانی دلالی) است. انگیزه‌های لابوم در طبقه‌بندی موضوعی آیات قرآنی عبارت‌اند از انگیزه علمی، پاسخگویی به نیاز مخاطبان و ایجاد بانک جامعی جهت دستیابی به موضوعات قرآنی. با توجه به گسترش استشراق علمی در قرن نوزدهم و گرایش اروپاییان به تحقیق و مطالعات قرآنی و از سوی دیگر خواسته‌های جویندگان معارف دینی برای یافته‌های خود و پاسخ‌دادن به شبهه‌ها و سؤال‌ها، ژول لابوم را بر ضرورت تدوین معجم موضوعی بر اساس موضوعات و مفاهیم قرآن ترغیب نمود. وی بر اساس مبانی خاص خویش دست به طبقه‌بندی موضوعی قرآن زده است که این مبانی عبارت‌اند از وحیانی بودن قرآن، مراجعه به مطلق منابع اسلامی و عدم طبقه‌بندی آن‌ها از جهت اعتبار، نادیده گرفتن مبنای روایات و عدم رجوع به اسناد تاریخی مسلم، رویکرد برون‌گرایی و عینیت‌گرایی به قرآن، رویکرد تاریخی به جهان‌آفرینش، توجه به جلوه همبستگی مذهبی در قالب عبادات اسلامی و رویکرد دفاعی از قوانین اسلام در برابر مخالفت با قوانین مسیحیت. ژول لابوم مبحث توحید را در هشتمین باب از ابواب هجده‌گانه کتابش ذکر کرده است، شاید بدین خیال که توحید از آورده‌های انحصاری اسلام نیست از ذکر آن در جایگاه اولین و مهمترین باب خودداری کرده است. در صورتی که میان توحید اسلام و توحید آن‌چنان که پیش از آن بوده است، تفاوت‌های بسیاری است که اگر مطرح نشود نه تنها اسلام را به درستی نشناخته‌ایم، بلکه از یکی از عوامل نیرومند پیشرفت و نفوذش غافل مانده‌ایم. بیش‌ترین عملکرد ژول لابوم در طبقه‌بندی قرآنی، از خاستگاه و نگاه بیرونی به این کتاب مقدس بوده است. یعنی علوم قرآنی، اما در درون قرآن و آیات آن، وی بیش‌تر با نگاهی موضوعی و جزئی سراغ فهم آیات رفته‌است. وی با تمامی بسترهای فکری و پیش‌فرض‌های ذهنی خود اسلام و قرآن را تحلیل کرده است. طبقه‌بندی ژول لابوم مبتنی بر دغدغه‌های فکری خود بوده است و از آنجایی که وی از محققین تاریخ‌نویس بوده و تحقیقات بسیاری در زمینه تاریخ جاهلیت عرب و ملل دیگر داشته است، اولین و مهم‌ترین باب طبقه‌بندی‌اش را با عنوان تاریخ آغاز کرده و با طرح مسائل تاریخی، به مشکلات اساسی جوامع نیز پرداخته است.

کتابنامه

- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد. ۱۳۶۹ش، **مراتب العلوم**، تحقیق احسان عباس، ترجمه محمد علی خاکساری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اعتصامی، سیدمهدی. ۱۳۸۹ش، **تفاوت پژوهش‌های قرآنی مسلمانان و مستشرقان**، مطالعات آکادمیک مستشرقان در مورد قرآن.
- افشار، ایرج. ۱۳۴۰ش، **نسخه‌های خطی فارسی کیمیا در مؤسسه شرق‌شناسی لنین‌گرا**، شماره ۱.
- بکار، عثمان. ۱۳۸۱ش، **طبقه‌بندی علوم از نظر حکمای مسلمان**، با مقدمه دکتر حسین نصر، ترجمه جواد قاسمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بلاشر، رژی. ۱۳۷۶م، **در آستانه قرآن**، ترجمه دکتر محمود رامیار، چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تهانوی، مولوی محمد اعلی بن علی. ۱۹۶۷م، **کشاف اصطلاحات الفنون**، به تصحیح مولوی محمد وحید و مولوی عبدالحق و مولوی غلام قادر، کلکته، طبع طهران.
- خرمشاهی، بهاء الدین و فانی، کامران. ۱۳۷۶ش، **فرهنگ موضوعی قرآن مجید**، تهران: ناهید.
- دریائی، محمدرسول. ۱۳۶۱ش، **اسلام از دیدگاه ژول لابوم**، دفتر نشر میثم.
- زمانی، محمد حسن. ۱۳۸۵ش، **مستشرقان و قرآن**، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ساجدی، ابوالفضل. ۱۳۸۳ش، **زبان دین و قرآن**، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- سجادی، سید محمد صادق. ۱۳۶۰ش، **طبقه بندی علوم در تمدن اسلامی**، تهران: کتابفروشی طهوری.
- شاکر، محمد کاظم. ۱۳۸۱ش، **ترمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن؛ مقالات و بررسی‌ها**، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
- شاله، فیلیپس. ۱۳۷۸ش، **فلسفه علمی یا شناخت روش علوم**، ترجمه یحیی مهدوی، انتشارات دانشگاه تهران.
- صبری، خلیل الله. ۱۳۴۴ش، **طبقات آیات**، تهران: امیرکبیر.
- طاهری عراقی، احمد. ۱۳۵۳ش، **تقسیم‌بندی علوم در نزد غزالی**، تهران: نامه انجمن کتابداران.
- عبدالباقی، محمد فواد. ۱۳۶۴ق، **المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم**، تهران: موسسه اسماعیلیان.
- العقیبی، نجیب. ۲۰۱۴م، **اهداف الاستشراق**، بی جا: بی نا.

علی الصغیر، محمد حسین. ۱۳۷۲ش، *خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی*، ترجمه محمد صادق شریعت.

فتح الهی، ابراهیم. ۱۳۸۸ش، *ملاک‌های رده‌بندی علوم قرآن: متدولوژی علوم قرآنی*، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

لابوم، ژول. ۱۳۴۰ش، *فرهنگ و ایدئولوژی در اسلام*، ترجمه و اقتباس رسول دریایی، تهران: معلم. لابوم، ژول. ۱۳۷۳ق، *تفصیل الآیات*، ترجمه و تکمیل محمد فؤاد عبدالباقی، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.

مردانی، خیرالله. ۱۴۰۲ق، *اعترافات دانشمندان بزرگ جهان*، انتشارات آیین جعفری. مورتیمر، جی و آدلر، چارلز ون دورن. ۱۳۶۸ش، *چگونه کتاب بخوانیم*، ترجمه محمد صراف تهرانی، انتشارات آستان قدس.

کتاب لاتین

Dahlberg, Ingetraut (1992). "The Basis of New Universal Classification Systems Seen from Philosophy of Science Point of View" In: *Classification Research for Knowledge Representation and Organization*, by Nancy J. Williamson & Michele Hudon. N.Y.: London, Elsevier.

Kwasnik, Barbara, H. (1999) *The Role of Classification in Knowledge Representation and Discovery. Library Trends*, 48(1), in EBSCO host: Academic Search Elite.

Watt. W. M. *Muhammads Mecca*. Edinburgh university press, 1988.

Bell, R. *Introduction to the Quran*. Edinburgh universitu press, 1953.

مقالات

خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. ۱۳۷۳ش، «نقد و معرفی فرهنگنامه قرآنی»، فصلنامه بینات، شماره ۱.

زمانی، محمد حسن. ۱۳۸۶ش، «دوره‌های استشراف»، نشریه قرآن و مستشرقان، شماره ۲.

زمانی، محمد هاشم. ۱۳۸۷ش، «ارزیابی معجم‌های موضوعی قرآن»، فعالیت‌های قرآنی مستشرقان، شماره ۵۳.

زمانی، محمد هاشم. ۱۳۸۵ش، «ارزیابی معجم‌های موضوعی قرآن»، نشریه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۴.

فدایی عراقی، غلامرضا. ۱۳۷۸ش، «طرح جدید لتصنیف العلوم»، آفاق الحضارة الاسلامیة، شماره ۵.

فدایی عراقی، غلامرضا، ۱۳۸۰ش، «طرحی نو در طبقه‌بندی علوم»، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۱۵۸-۱۵۹.

مؤذن جامی، محمد هادی. ۱۳۷۶ش، «مقایسه دو فرهنگ قرآنی»، مجله آینه پژوهش، شماره ۴۳.

مارسلا، ریتا و ارتور، مالتبای. ۱۳۸۶ش، «رده‌بندی»، ترجمه زهرا اباذری و فهیمه باب، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، سال هفتم، شماره دوم صص ۲۰-۲۳.

مرادی، محمد. ۱۳۹۲ش، «نمایه‌سازی ترجمه و تفسیر متون دینی»، اطلاع‌رسانی، نشریه فنی مرکز اسناد و مدارک علمی، دوره هشتم، شماره یک، صص ۲۱-۲۲.